

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۲ اکتوبر ۲۰۱۱

فرهنگ وحشت و کشتار سرداران جنگی عرب

۲

سوره توبه آیت ۲۹: با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیز های را که خدا و پیامبرش حرام کرده است بر خود حرام نمیکنند و دین حق را نمی پذیرند **جنگ کنید تا آنکه به دست خود در عین مذلت جزیه بدهند**

حمزه بن عبدالمطلب و کاکای محمد پیامبر اسلام می باشد که در اکثر جنگها و حملات محمد و دار و دسته اش بر کاروانهای تجارتي و قصبه های یهودی نشین در سال های اول هجرت به مدینه سهم مهم داشته و **در سنگ دلی و قساوت کم نظیر بوده است**. حمزه در میدان جنگ **با دو شمشیر آدم می کشت** و به خاطر همین آدمکشی هایش محمد به او لقب **(شیر محمد)** داده بود. او برادر رضاعی محمد نیز بود همچنین حمزه را شهید مثله شده جنگ احد میخوانند. (کوه احد که جنگ مهم اسلام و مخالفان آن در دامنه آن کوه رخ داد یکی از کوههای مدینه است که در پنج کیلو متری شمال شرق آن شهر قرار دارد).

بخاری از ابن شهاب زهری نقل می کند که گفت: علی بن الحسین از پدرش حسین بن علی و او از پدر خویش علی بن ابی طالب بر این نقل کرد: (من دو نفر شتر داشتم که در کنار خانه همسایه می خوابیدند. روزی دیدم که کوهان آنها زنده زنده دریده و پهلوی شان شکافته شده و جگر های شان بیرون ریخته است. با دیدن این منظره به شدت متأثر شدم و اشکم روان گردید. پرسیدم: چه کسی این کار قساوت وار را مرتکب شده است؟؟ گفتند: عمویت حمزه بن عبدالمطلب و اکنون او با گروهی از دوستانش و با شرکت کنیزک خوانندهای در حال خوردن شراب اند و آن کنیزک در ترانه اش این جمله را مترنم بوده است (الا یا حمزه للشرف النواء) (ای حمزه شتران پر گوشت را دریاب) و حمزه با شنیدن این کلمات از زبان آن کنیزک تشویق شده دست به شمشیر برد و شتر ها را به این روز سیاه انداخت) زهری می افزاید علی بن ابی طالب گفت:

من به جهت شکایت از عمویم حمزه نزد پیامبر خدا رفتم و جریان شتر ها و حضور حمزه در خانه همسایه در

مجلس بزم و میخواری را به آن حضرت گزارش کردم. پیامبر خدا در حالی که من و زید بن حارثه به دنبالش حرکت می کردیم وارد آن خانه شد و حمزه را نکوهش و مذمت کرد. **حمزه که به شدت مست و چشمانش سرخ شده بود.** نگاه تندی به سرپای پیامبر خدا انداخت و گفت: **مگر شما ها غلامان و بردگان پدر من نیستید؟؟** که بر من اعتراض می کنید؟؟ پیامبر خدا با شنیدن این جمله از ترس جانش عقب عقب بر گشت و خانه را ترک کرد. (صحیح بخاری کتاب المغازی حدیث شماره ۳۷۸۱)

در جنگ بدر به رهبری ابوسفیان که اهالی مکه مورد تعرض محمد و گروه چپاول گر آن قرار گرفته بودند دو باره جمع شده و تصمیم گرفتند خود را از شر این همه تعارض و تهاجم دزدان و غارت گران محمدی نجات بخشند چون آنان در جنگ بدر تعداد زیادی از قوم و خویشان خود را از دست داده بودند که اکثریت آنها به تیغ جلادی حمزه و علی سپرده شده بودند روی همین تصمیم در سال سوم هجرت و یک سال پس از جنگ بدر پنج هزار نفر جنگجو به فرماندهی ابو سفیان به همراهی پانزده نفر از زنان قریش به سرپرستی **هنده همسر ابو سفیان که پدر، برادر و پسرش در جنگ بدر به تیغ حمزه کشته شده بودند** با دو صد اسب و سه هزار شتر و هفتصد نفر زره دار به سوی مدینه حرکت کردند. آماده شدن قریش را یک نفر دیگر از گروه آدمکشان مدینه عباس کاکای دیگر محمد به وی گزارش داده بود و محمد انتظار این حمله را می برد. روز چهارشنبه سیزده شوال نیروی قریش خود را در کنار احد رسانیدند و در میان نخلستان مسطحی و در کنار دره ای که می توانست در شرایط سخت مأمنی برای آنان باشد فرود آمدند و به طرح نقشه جنگی پرداختند.

محمد هم با تمام نیرو و قوایی که در اختیار داشت به طرف احد رهسپار شد و جنگ احد روز شنبه ۱۶ شوال در دو مرحله رخ داد که مرحله اول شکست قریش و مرحله دوم شکست محمد و گروه آدمکش و جانی او بود. از جزئیات این جنگ گذشته فقط به نوشته طبری می پردازیم: طبری می گوید:

در هنگام جنگ تهاجمی عده ای از مسلمانها و در رأس آنها ابودجانه و حمزه بن عبدالمطلب و علی بن ابی طالب وارد صحنه شدند و دشمن را در هم شکستند و تا آخر صفوف پیش رفتند و در نتیجه خداوند مسلمانان را پیروز گردانید. (طبری ج ۲ ص ۳۷۶) پس از شکست سختی که بر قریش وارد شد صحنه جنگ دیگرگون شد زیرا گروهی از مسلمانان که هزیمت دشمن را دیدند به درون دره ای که مقر آنها بود حمله کردند و به جمع آوری غنیمت پرداختند. همه مشغول چور و چپاول دارائی های قریش شدند (**خوانندگان عزیز توجه دارند که چپاول مال دیگران اصل اساسی عمل کرد های محمد و عمالش را تشکیل می داد**) خالد بن ولید که از سواران قریش بود از این فرصت استفاده نموده و با دور زدن کوه، عبدالله بن جبیر را با یاران او از بین برد داشت و آنگاه بر چپاول گران محمدی که مشغول دزدی و غارت اموال قریشی ها بودند حمله نمود و همه را به زیر شمشیر گرفت (سمهودی - وفا الوفا ج ۱ ص ۲۸۶) و در ادامه این جنگ مؤرخان از جمله طبری می نویسند:

مسلمانان با پدید آمدن شکست و شایعه کشته شدن محمد بقیه به سه گروه تقسیم شدند - تعدادی مجروح شده و از کار افتادند - تعداد محدودی استقامت تا این که کشته شدند و گروه سوم فرار نموده و خود را نجات دادند (تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۷۷) و این خلاصه ای بود از جنگ احد که در جریان این جنگ یکی از اهالی قریش به نام "عبدالله بن قمه" محمد را با ضربه سنگ هدف قرار داد که در نتیجه پیشانی و بینی محمد به شدت مجروح شد و دندانهایش شکست و نظر به گفتار ابن اثیر تعداد زیادی در جنگ تن به تن پرداخته و در شروع جنگ علی با ذوالفقارش ۹ نفر از قریش را کشت و نظر به نوشته علل الشرایع ص ۷ نوشته مرحوم صدوق **جبرئیل گفت** (و اناء منکما) و این تمنا و آرزو است از سوی جبرئیل که او محمد یا علی باشد؟؟؟؟ و ازین جهت بوده که آیت ۱۵۲

سوره آل عمران نازل شد (به خاطر بی‌اورید هنگامی را که در کوه بالا می رفتید و در بیابان پراکنده می شدید و از شدت وحشت به عقب ماندگان نگاه نمی کردید و پیامبر از پشت سر شما صدا می زد). و در این جنگ یکی از شمشیر زنه‌های محمد که حمزه بود به دست غلام سیاه پوستی به نام (وحشی) کشته شد و محمد گفت (سالار شهیدان در روز قیامت حمزه است)

هنده خانم ابوسفیان مادر معاویه به انتقام پدر، برادر و پسرش که به دست حمزه کشته شده بود بر جسد او حمله نموده و جگر حمزه را بیرون آورده و با غضب گوشه‌ای از آن را خورد. این بود شمه‌ای از کشتار و سر نوشت حمزه شمشیر کش اسلام. و در صورتی که مداحان اسلام و دنباله روان عرب مدارکی زیاد تری در زمینه خواهان باشند لطفاً بنویسند تا خدمت‌شان ارایه گردد.

از فراریان جنگ احد از اشخاص و جنگجویان ذیل میتوان نام برد: ابن واضح یعقوبی می نویسد: به هنگام فرار مسلمانان، نزد محمد تنها سه نفر باقی ماند - (علی - طلحه و زبیر) در باره ابوبکر نه جنگی نموده و نه فرار - عمر را در جمله فراریان ثبت نموده اند - عثمان هم فرار کرده بود - و در جنگ احد غایب بود - حسان بن ثابت - و چند دزد و آدمکش دیگر.....
ادامه دارد

یادداشت:

نباید فراموش نمود که وقتی تاریخ نگاران بعد ها وقایع را می نگاشتند، به نسبت موجودیت مذاهب و ایجاد انشقاق در اسلام، در ثبت وقایع تعلقات مذهبی خویش را نیز داخل می نمودند. چنانچه یعقوبی که یکی از محدود تاریخ نگاران شیعه مذهب است، در اینجا کوشیده است تا عقده مذهبی خویش را بالای جانشینان محمد به خصوص خلیفه دوم ارضاء نماید. ورنه تا جایی که از مطالعه سایر متون قدیم بر می آید هر چهار خلیفه در سلوک و رفتارشان کاملاً با پیامبرشان یک سان بودند.

اداره پورتال AA-AA